

واکاوی محتوایی منظومه خاوران نامه ابن حسام خوسفی

ژاله سادات غیبی^۱، سید محمودرضا غیبی*^۲، حسین حاجیزاده^۳ و ژایلا صراطی^۴

چکیده

منظومه خاوران نامه یکی از آثار مهم حماسه دینی در ادبیات فارسی شناخته می‌شود که از زوایای مختلف قابل نقد و بررسی است. موضوعات به‌کاررفته در این منظومه نیز از دیدگاه‌های مختلف نیازمند بررسی و تحلیل هستند. در این پژوهش سعی شده است این اثر منظوم از لحاظ موضوعی و فکری مورد بررسی قرار بگیرد. روش تحقیق در این پژوهش، به صورت توصیفی - تحلیلی است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، خاوران نامه ابن حسام خوسفی می‌باشد؛ به دلیل چاپ نشدن منظومه کامل آن از تازیان نامه (خلاصه خاوران نامه) به تصحیح حمیدالله مرادی استفاده شد. پس از مطالعه دقیق، نمونه‌های موجود در منظومه مذکور، طبقه‌بندی و مورد بحث و تحلیل قرار گرفت. تقلید از شاهنامه، وارد کردن موضوعات عرفانی و غنایی در حماسه، اشاره به ادبیات تعلیمی، توجه به فرهنگ عامه، توجه به داستان‌های فرا تاریخی و شخصیت‌های افسانه‌ای، جانب‌داری در روایت داستان‌ها و اطلاعات عمومی فراوان شاعر، از ویژگی‌های برجسته فکری در این منظومه بودند.

واژگان کلیدی: خاوران نامه، ابن حسام خوسفی، تحلیل محتوایی، ادبیات حماسی، حماسه دینی

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

حماسه‌های دینی یکی از مهم‌ترین انواع حماسی است که در زیر مجموعه ادبیات حماسی هر ملتی قابل توجه و تحقیق است. در ادبیات فارسی نیز آثار سترگی در زمینه حماسه دینی نگاشته شده که هر کدام ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. در این میان، خاوران نامه با داشتن ویژگی‌های سبکی خاص، نیازمند بررسی و تحقیق در زمینه‌های مختلف است.

خاوران نامه از آثار ادبی است که به نظم فارسی در سال ۸۳۰ هجری قمری سروده شده است. سراینده آن ابن حسام خوشنوی از اهالی قهستان خراسان بوده است. این منظومه، حماسه‌ای دینی و مصنوع است که در بحر متقارب و به وزن شاهنامه فردوسی سروده شده است. موضوع خاوران نامه جنگ‌های علی بن ابی‌طالب در سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و با قباد پادشاه شرق و تهماسب شاه است. این منظومه به گفته ابن حسام از یک کتاب عربی به نظم کشیده شده است. این منظومه را تازیان نامه نیز گفته‌اند. «خوشنوی در خاوران نامه به شرح دلاوری‌ها و فداکاری‌های علی (ع) در چهارچوب حماسه و با تکیه بر زبان و بیان شاهنامه فردوسی می‌پردازد» (عطا شیبانی، ۱۳۹۲: ۲۸۷) «در خاوران نامه، شخصیت‌های تخیلی شاهان خاور، مثل: قطار، جمشیدشاه، تهماسب، صلصال، پهلوانان و سپاهیان ضد قهرمان شده‌اند» (جلالی و مظفری، ۱۴۰۰: ۶۴)

«منظومه خاوران نامه داستانی خیالی است و حتی اگر به شخصیت‌های ایرانی هم اشاره‌ای شده باشد، این افراد در بستر تاریخی وجود خارجی ندارند» (صادقی نقد علی و بشیری، ۱۳۹۹: ۱۵۵) «پژوهش‌های اندکی درباره زبان حماسی انجام شده است. ذبیح‌الله صفا در حماسه‌سرایی در ایران، غلامحسین یوسفی در موسیقی کلمات در شعر فردوسی، شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر در فصلی با عنوان «عوامل ساخت و صورت در موسیقی شعر»، سیروس شمیسا در انواع ادبی و در فصلی که درباره سبک حماسه و ویژگی‌های زبانی آن نوشته، اولین کسانی هستند که مختصات را برای این نوع ادبی بر شمرده‌اند» (رحمان زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۱)

پرسش اصلی تحقیق، این است که در منظومه حماسی - دینی خاوران نامه، چه موضوعاتی مورد توجه شاعر بوده است و از لحاظ محتوایی، در کنار موضوع اصلی کتاب، به چه موضوعات فرعی

دیگری پرداخته شده است؟ در این پژوهش سعی شده با مطالعه دقیق منظومه و استخراج ویژگی‌های فکری و تحلیل موضوعات اثر، به بررسی موضوعات اصلی و فرعی پرداخته شود و در پایان به نقاط قوت و ضعف، ارزش‌های جانبی و مواردی از این قبیل نیز اشاره شده است.

۲- پیشینه تحقیق (سوابق مطالعاتی)

در زمینه بررسی و تحلیل خاوران نامه، به صورت جداگانه کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است. حق‌شناس، (۱۳۹۰)، در کتابی با عنوان داستان داستان‌ها، تأملی بر خاوران نامه ابن حسام خوسفی انجام داده است. شفق و انصاری (۱۳۹۴) در دو مقاله، به بررسی تصویر شجاعت و حلم حضرت علی (ع) در دو منظومه علی نامه و خاوران نامه پرداخته‌اند. احمدی بیرجندی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های اخلاقی و اجتماعی محمد بن حسام خوسفی در منظومه خاوران نامه» به بررسی مضامین اخلاقی و اجتماعی خاوران نامه پرداخته است. عطا شیبانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تصویر آفرینی بلاغی در خاوران نامه ابن حسام خوسفی» به بررسی تصاویر ادبی، تشبیهات، استعارات و ... در خاوران نامه پرداخته است. جلوداری (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل موضوعی دیوان ابن حسام خوسفی» به بررسی موضوعات دیوان شاعر پرداخته است که علاوه بر تفاوت در روش و نمونه‌ها و نتیجه‌گیری در پژوهش مذکور، منابع مورد مطالعه هم تفاوت دارند. کریمی و امینی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نمودهای فرهنگ‌عامه در خاوران نامه ابن حسام خوسفی» به بررسی ادبیات عامیانه در خاوران نامه پرداخته‌اند مقالات پراکنده‌ای نیز در مورد این منظومه نوشته شده که با توجه به فاصله موضوعی آن‌ها از این پژوهش به آن‌ها اشاره نمی‌شود. اما تا به حال، پژوهش مستقلی مبنی بر تحلیل محتوایی خاوران نامه انجام نگرفته است.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای است و یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده‌اند. در مرحله اول با مراجعه به منبع اساس یعنی خاوران نامه، موضوعات اصلی و فرعی استخراج و فیش‌برداری شدند. در مرحله دوم بر اساس موضوعات مذکور برگه‌ها طبقه‌بندی شدند. در مرحله سوم به مطالعه درباره ادبیات و مبانی تحقیق پرداخته شد و مطالب مرتبط با موضوعات استخراج شده فیش‌برداری شدند. در مرحله چهارم به تحلیل موضوعات پرداخته شد.

جامعه آماری این پژوهش، شامل منظومه خاوران نامه است که متأسفانه به دلیل چاپ نشدن خاوران نامه، مجبور شدیم از خلاصه خاوران نامه که به نام تازیان نامه توسط حمید الله مرادی تصحیح و چاپ شده بود، استفاده کنیم.

۴- بحث و بررسی: واکاوی محتوایی خاوران نامه

در این بخش، سعی شده است به مختصات فکری موجود در منظومه خاوران نامه، توجه شود و مضامین مهم آن استخراج گردد. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، بررسی داستان‌های منظومه نیست؛ بنابراین بیشتر به مضامینی پرداخته شده است که در خلال داستان‌ها آمده و توجه خواننده را به خود جلب می‌کنند. از آنجایی که در اکثر منظومه‌های حماسی، تاریخ و افسانه‌ها باهم آمیخته شده‌اند و اغراق و مبالغه جزو ذاتی آن‌ها محسوب می‌گردد، در این منظومه نیز به این مختصات فکری توجه شده و نمونه‌هایی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۴-۱- تمجید از فردوسی و کار او

ابن حسام خوشنوی، با وجود اینکه در بسیاری از ابیات به ارزش بالای منظومه‌اش اشاره کرده و آن را بر منظومه‌های دیگر برتر دانسته است؛ اما ناخودآگاه از فردوسی و اثرش با تمجید و تحسین یاد می‌کند و با توجه به شواهد موجود، به نظر می‌رسد با داستان‌های آن نیز آشنایی دارد:

و دیگر که فردوسی پاک‌زاد که رحمت بر آن تربت پاک باد
 پرداخت آن نامه نامدار وزو ماند تا جاودان یادگار
 سخن را بلندی ز گفتار اوست سخن را شعار اندر اشعار اوست
 بر او ختم شد گفتن مثنوی از او به نگوید کسی پهلوی
 (خوشنوی، ۱۳۸۲: ۶۴ و ۶۵ ب ۳۳۲-۳۳۵)

در یکی از بخش‌های خاوران نامه، شاعر، به خوابی اشاره می‌کند که در آن با فردوسی ملاقات داشته است:

بدو گفتم ای اوستاد سخن بدادی به شهنامه داد سخن
 زبان تو آب زلال است و بس بیان تو سحر حلال است و بس
 دلت مخزن گنج دانشوری است تو را در سخن پایه برتری است
 (همان، ۱۳۸۲: ۲۰۰ ب ۲۷۳۷-۲۷۴۴)

۴-۲- تقلید از ابیات شاهنامه

در تعدادی از ابیات خاوران نامه، شاعر خواه‌ناخواه از عبارات و مضامین و اصطلاحات به‌کاررفته در شاهنامه استفاده کرده است که به نظر می‌رسد نمی‌توانند تصادفی باشند:

بیاراست کشتی چو چشم خروس بر ایوان کشتی بستند کوس

(خوسفی: ۱۷۷ ب ۲۲۹۷)

یکی پهن کشتی به‌سان عروس بیاراسته همچو چشم خروس

(فردوسی، ۱۳۶۶: ج ۱، ب ۱۰۰)

شبی بود برسان دریای قیر نه خورشید پیدا نه بهرام و تیر

(خوسفی، ۱۳۸۲: ۱۱۰ ب ۱۱۵۲)

شبی چون شبه روی شسته به قیر نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر

(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۳، ۳۰۳ ب ۱)

۴-۳- تضمین از فردوسی

به فردوس ، مأوای او ساز کرد به یک بیت او را سرافراز کرد

«جهان را بلندی و پستی تویی همه نیستند آنچه هستی تویی»

(خوسفی: ۶۵ ب ۳۳۸ و ۳۳۹)

باوجود تعریف و تمجیدات فراوان شاعر از فردوسی و اثرش، در برخی ابیات، ابن حسام، منظومه‌اش را از شاهنامه برتر دانسته است:

اگر طوسی از شاهنامه سخن به آرایش رستم افکند بن

سخن در بلندی به‌جایی رساند که اندیشه از درک آن بازماند

ولی نامه من به نام علی ست می صافی من ز جام علی ست

(همان: ۳۱۵ ب ۴۹۱۶ - ۴۹۱۸)

در بعضی از ابیات هم ناخودآگاه، پهلوانان شاهنامه را در مقابل پهلوانان منظومه اش تحقیر کرده است:

سرافراز هاماں جنگاور است که چون رستم او را بسی چاکر است

(خوسفی: ۱۴۲: ب ۱۶۵۳)

۴-۴- اقتباس و تأثیرپذیری از شاعران دیگر

هیچ شاعری نمی‌تواند در خلأ شعر بسراید و بالطبع از مضامین و تصاویر شاعران دیگر بهره می‌گیرد. با توجه به درون‌مایه متون حماسی، این تأثیرپذیری‌ها کمتر دیده می‌شود. با دقت در مضمون بعضی از ابیات، نشانه‌هایی از این تأثیرپذیری‌ها دیده می‌شوند:

تو شهباز قدسی در این دامگاه یکی میل کن سوی آرامگاه
سراپرده قدس مأوای توست رباط خرابه نه زیبای توست
رها کن نشیمن گه خاک را بین ذروه بام افلاک را
(همان: ۵۰: ب ۱۰۰-۱۰۲)

که یادآور این بیت معروف حافظ است:

تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر ندانمت که درین دامگاه چه افتاده ست
(حافظ، ۱۳۸۱: ۳۹)

در بررسی موتیف‌ها و تصاویر منظومه خاوران نامه، گاهی به تصاویری برمی‌خوریم که ابیات و تصاویر شعری از شاعران دیگر را به خاطر می‌آورد، این مسئله، اگر از باب توارد نباشد، بی‌شک بی‌تأثیر از مطالعه و آگاهی شاعر از دواوین شاعران و نویسندگان برجسته قبل از خود نیست؛ مثلاً:

سمن را به نرگس همی داد آب ستاره همی ریخت بر ماهتاب
(خوسفی، ۱۳۸۲: ۲۶۷: ۴۰۴۰)

که یادآور این بیت معروف نظامی است:

ز سنبل کرد بر گل مشک بیزی ز نرگس بر سمن سیماب ریزی
(نظامی، ۱۳۸۵: ۲۱۶)

یا در جای دیگر آمده:

بسوزد ز تف دلم روی ماه اگر آب چشمم نیاید به راه
(خوسفی، ۲۸۲: ۱۳۸۲ ب ۴۰۵۸)

که یادآور این مضمون است:

گر آب دو دیده نیستی یار دل سوختی آتش غمت زار
(نظامی، ۱۳۸۰: ۶۷)

در کلیله و دمنه نیز به این تصویر اشاره شده است. «لولا الدّموع و فیضهنّ لأحرقنّ أرض الوداع حراره الأكباد» (نصرالله منشی، ۱۳۷۴: ۱۱۱)

و دیگر که فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد
بپرداخت آن نامه نامدار وزو ماند تا جاودان یادگار
(خوسفی، ۱۳۸۲: ۶۴ و ۶۵ ب ۳۳۲-۳۳۵)

«چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد»
(سعدی، ۱۳۸۶: ۱۹۹)

۴-۵- مذهب شاعر

«قاضی نورالله شوشتری در کتاب «مجالس المؤمنین» که به معرفی علما و بزرگان شیعه می‌پردازد ابن‌حسام را در زمره علمای شیعه می‌داند. او می‌نویسد: «از زمان امیرالمؤمنین تا عصر صفویه در میان شیعه تقیه شدید بود. هر یک از فرقه‌های اهل سنت در انتشار احوال بزرگان خود سعی نمودند. ولی علمای شیعه به علت استیلا اهل شقا و نفاق در زاویه تقیه مخفی ماندند و خود را شافعی یا حنفی معرفی می‌نمودند.» (شوشتری، ۱۳۶۵: ج ۲: ۷۶)

برخی از پژوهشگران با استناد به بعضی از ابیات خاوران نامه از جمله ابیات زیر، او را سنی دانسته‌اند:

محمد که از خلق مشکین اوی زمین عرب شد همه مشک‌بوی
سلامی از آن تربت مشکبار بر او باد و یاران او هر چهار
(خوسفی، ۱۳۸۲: ۱۲۸ ب ۱۴۲۶)

که با توجه به قصاید و ابیات دیگر شاعر در مدح اهل بیت و چهارده معصوم، شیعه بودن شاعر محتمل‌تر به نظر می‌رسد. آوردن بحث شفاعت علی (ع) در روز قیامت نیز می‌تواند دلیل دیگر بر تشیع شاعر باشد که مورد قبول اهل تسنن نیست:

چنان چشم دارم ز اکرام او که با بهره باشم ز انعام او
شفیع بود روز فردای من برآید ز لطفش تمنای من
(خوسفی: ۳۱۳ ب ۴۸۷۸ و ۴۸۷۹)

۴-۶- ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی که یکی از انواع مهم ادبی در دنیا به شمار می آید، به صورت‌های مختلف در آثار ادبی دیده می‌شود. گاهی به صورت آموزش یک علم و گاهی به صورت تعلیم اخلاقیات و بسامد آن در آثار ادبی بزرگان متفاوت است. اما به صورت کلی اکثر بزرگان ادب فارسی ناخودآگاه اشعار و ابیاتی در تعلیم و پند و نصیحت به مردم آورده‌اند که ابن حسام نیز از این مجموعه مستثنا نیست؛ مخصوصاً که به علت حماسه دینی بودن اثرش، استفاده از ابیات تعلیمی و پند و اندرز فراوان است و گاهی چندین بیت پیاپی به صورت تعلیمی است:

چنین است آینه گردنده دور که با مهر و کین است و با داد و جور
جهان نیست خالی ز داد و ستم زمانی به شادی زمانی به غم
جهان گر نداری بر او غم مدار جهان بر گذار است از او برگذر
جهان گر بگیری چو بهرام گور چو بهرام یابی از او بهره گور
چو خواهی که مرهم نهی داغ دل نهال طمع بر کن از باغ دل
مگر پیشتر زان که خاکی شویم به پاکی براین خاک، خاکی شویم
(همان: ۳۱۸ ب ۴۹۷۱ تا ۴۹۷۹)

۴-۷- استفاده از مضامین عرفانی

با بررسی ابیات مختلف خاوران نامه، می‌توان به خوبی دریافت که ابن حسام با عرفان و اصطلاحات آن کاملاً آشنایی داشته ولی نوع عرفان او قابل بحث و بررسی است. در مضامین عارفانه ابیات او هم افکار ابوسعید دیده می‌شود و هم اندیشه‌های سنایی و مولانا. بسیاری از ابیاتش نشانگر آشنایی او با عرفان و مطالعه کتب عرفانی قبل از خود بوده است:

نه بر هرزه نقش تو آراستند که از آفرینش تو را خواستند
ز هر نقش کز کلک تقدیر رست غرض در میان نقش زیبای توست
تو شمعی و غیر تو پروانه‌اند تویی آشنا جز تو بیگانه‌اند

نمودار سر الهی تویی ندانم چه ای هر چه خواهی تویی
 تو مقصود کون و مکان آمدی تو مسجود کروبیان آمدی
 (خوسفی: ۴۹ ب ۹۳ - ۹۷)

الهی مرا محرم راز کن در معرفت بر دلم باز کن
 دلی ده که باشد شناسای تو زبانی که بستاید آلائی تو
 ز نور خرد روشناییم بخش ز بیگانگان آشناییم بخش
 (همان: ۵۱ ب ۱۲۱ - ۱۲۳)

۴-۸- بث الشکوی

ابن حسام نیز مثل بسیاری از شاعران و هنرمندان دیگر، زندگی را آن‌گونه که می‌خواهد نمی‌یابد و بنابراین گاهی شروع به شکایت از زمانه و اهل آن می‌کند که در اصطلاح ادب به آن بث الشکوی گفته می‌شود:

مرا دایه‌ای داد دوران پیر ز پستان بستان نداده است شیر
 کرم گویی اندر قهستان نبود که در وی بده بود و بستان نبود
 (همان: ۳۱۸ ب ۴۹۶۸ و ۴۹۶۹)

۴-۹- تلفیق رزم و بزم

باوجود اینکه موضوع اصلی منظومه خاوران نامه، حماسه دینی است، اما در بعضی از صحنه‌ها، شاعر، قدرت شعری خود را در تصاویر غنایی نیز به رخ مخاطب می‌کشد و همچون شاهنامه، گاهی غنا و حماسه را باهم تلفیق می‌کند. با توجه به اینکه شاعر در آثار دیگرش مهارت‌های دیگری را هم آزموده است، در خلق صحنه‌های غنایی، بسیار قدرتمندانه عمل کرده است. نمونه‌ای از این صحنه‌ها، صحنه گرفتاری مالک در دام عشق گل رخ، دختر جمشید شاه است که جدای از بحث تطابق تاریخی آن با واقعیت، صحنه زیبایی را خلق کرده است:

بتان پری روی زنجیر موی معنبر ز رفتارشان خاک کوی
 خرامان شگرفان شکرشان به بوی سر زلف عنبرشان
 یکی دختر اندر میان چون پری کزو رشک بردی بت آذری
 دلارامی آرام جان آمده دل از دست چشمش به‌جان آمده
 غزال سیه‌چشم و صد دلبری ستاره جبینی و صد مشتری

عقیق لب لعل او آبدار کمند سر زلف او تابدار
 سر بانوان دخت جمشید شاه خداوند شمشیر و تخت و کلاه
 (خوسفی: ۱۷ و ۱۱۸ ب ۱۲۵۶-۱۲۷۴)

درجایی دیگر نیز صحنه درد دل و راز و نیاز گل اندام، همسر گرفتار ابوالمحجن با ماه آسمان بسیار زیبا به تصویر کشیده شده است:

ز سوز درون ساز دیگر گرفت نوایی دلاویزتر برگرفت
 بدو گفت کای زینت اختران نمودار تاج بلند افسران
 چرا همچو من پشت خم داده‌ای مگر همچو من دل به غم داده‌ای؟
 (همان: ۲۶۷: ب ۴۰۴۴-۴۰۴۶)

این ابیات ناخودآگاه، مخاطبان امروزی شعر را به یاد نجوای شبانه شهریار با ماه می اندازد:
 امشب ای ماه به درد دل من تسکینی آخر ای ماه تو همدرد من مسکینی
 (شهریار، ۱۳۷۹: ۶۸)

۴-۱۰- ادبیات عامیانه در خاوران نامه

سرزمین ایران با داشتن اقوام، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، یکی از پرتنوع‌ترین کشورهای جهان برای بررسی فرهنگ عامیانه مردم به شمار می‌رود. در طول تاریخ، بنا به دلایلی مانند هجوم اقوام مختلف، ارتباطات سیاسی، دینی و اقتصادی با اقوام دیگر، فرهنگ‌های مختلفی در ایران شکل گرفته است که از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت هستند. ابن حسام خوشفی نیز با تلفیق دو فرهنگ ایرانی و اسلامی توانسته پیوندی زیبا با فرهنگ عامیانه ایجاد کند. در این بخش به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

در عقاید عامیانه قدیم، آسمان هفت فلک داشت که به ترتیب عبارت بودند از: قمر، عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری و کیوان. همچنین مردم برای هرکدام از آن‌ها شغلی قائل بودند. مثلاً بهرام، پاسبان فلک، ناهید، خنیاگر فلک و عطارد، دبیر فلک است. در ابیات پایین هم به خصوصیات و شغل هر یک از افلاک اشاره شده است:

گه از مه به‌خوبی رقم می‌زدم گهی با عطارد قلم می‌زدم
 گهی چنگ ناهید بنواختم به صد نغمه خنیاگری ساختم
 گهی دم ز ناقوس ترسا زدم چو پروانه بر شمع عیسی زدم

گهی برکشیدم چو بهرام تیغ چو بر می‌فروزند از تیره میغ
 گهی در شرف خانه مشتری در انگشت مه کردم انگشتی
 گهی بر سر بام کیوان شدم بر این سقف پیروزه ایوان شدم
 (خوسفی: ۳۱۶ ب ۴۹۳۶-۴۹۴۱)

روزهای هفته و رنگ هر کدام

مطابق علم نجوم قدیم، هر یک از روزهای هفته، مخصوص یک ستاره بوده و برای هر یک از هفت اختر، رنگ مخصوصی مناسب و معین است و به همین مناسبت، قدما رنگ‌ها را هفت گونه قائل شده‌اند. در هفت‌پیکر نظامی گنجوی هم بهرام گور، برای هر یک از هفت اختر، گنبدی بناکرده بود و در هرروز از هفته، مطابق رنگ آن روز به گنبد مخصوص می‌رفت و هر دختر برای او افسانه‌ای تعریف می‌کرد:

روزهای ستاره هست پدید	هفته را بی صداع گفت و شنید
بر مزاج ستاره کرد قیاس	رنگ هر گنبدی ستاره‌شناس
در سیاهی چو مشک پنهان بود	گنبدی کوز قسم کیوان بود
صندلی داشت رنگ و پیرایه	وان که بودش ز مشتری مایه
گوهر سرخ بود در کارش	وان که مریخ بست پرگارش
زرد بود، از چه؟ از حمایل زر	وان که از آفتاب داشت خبر
بود رویش چو روی زهره سپید	وان که از زیب زهره یافت امید
بود پیروزه گون ز پیروزی	وان که بود از عطاردش روزی
داشت سر سبزی ز طلعت شاه	وان که مه کرده سوی برجش راه
هفت گنبد به صنع هفت اختر	برکشیده برین صفت پیکر

(نظامی گنجوی، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۶/۱۴-۱۵)

در ابیات زیر، هرچند ترتیب رنگ‌ها با هفت‌پیکر نظامی همخوانی زیادی ندارد، ولی در تعیین رنگ برای هرروز باهم اشتراک دارند:

کمر بسته از سبز پوشان سوار	بدی روز شنبه مرا صد هزار
به یکشنبه هم صد هزار دگر	همه زرد پوش آمدی در نظر
همان صد هزار دگر سرخ پوش	دوشنبه به خدمت گرفتیم گوش

سه‌شنبه همان صد هزار دگر همه آسمان‌ها قبا و کمر
 چهارم همان نامور صد هزار قباها سفید و کمر زرنگار
 به پنجم درون صد هزار دگر منقش قبا و کلاه و کمر
 به آدینه جنگاوران صد هزار ملمع قباهای گوهر نگار
 (خوسفی، ۱۳۸۲: ۳۱۱ ب ۴۸۳۵-۴۸۴۱)

خاک دوانیدن

چنانکه می‌گویند فلانی را خاک بدان سو دوانید یا کشانید، کنایه از اینکه در آنجا مُرد و خاک او را در برگرفت:

تو را می‌دواند بدین گونه خاک که نامت شد از نامه عمر پاک
 (همان: ۱۴۴ ب ۱۶۹۲)

نظامی نیز در خسرو و شیرین می‌گوید:

به تو باد هلاکم می‌دواند خطا گفتم که خاکم می‌دواند
 (نظامی، ۱۳۸۵: ۲۴۶)

پیشگویی در جنگ

پیشگویی در متون حماسی، جزو موتیفهای تکراری محسوب می‌گردد؛ اما استفاده از آن در داستان‌های امامی که خود، از مخالفان منجمان و پیشگویان قبل از اسلام است، با روح معنوی و مذهبی داستان تناقض ایجاد می‌کند. در بعضی از قسمت‌های خاوران نامه، به چند مورد از این پیشگویی‌ها اشاره شده است. لوحی که خطوط ناآشنایی دارد و موبد آن‌ها را برای علی(ع) می‌خواند و پیشگویی می‌کند از پیروزی علی(ع):

بدیدم تو را ای ستوده علی همه روشنم شد به روشندلی
 که خواهی گشود این طلسمات را نمانی در او زرق و طامات را
 (خوسفی، ۱۳۸۲: ۳۱۱ ب ۴۸۴۵ و ۴۸۴۶)

پیش‌بینی جنگ توسط دال

«دال بن ذال، مطابق داستان از شاهان دیرینه سال، شوهر پیشین شمامه و سازنده حصار طلسمات دال و شهر افسون‌شده و افسانه‌نمای «زرین» است که سرانجام به دست برادرش صلصال کشته می‌شود» (خوسفی، ۱۳۸۲: ۲۵۳):

چنین یاد دارم ز گفتار دال زتاریخ شاهان دیرینه سال
 که مردی بدین مرز راند سپاه سرافراز و بیداد و لشکر پناه
 ز خاک عرب باشد او را سرشت به هم بر زند ملت زردهشت
 ز تیغش جهان گردد آتش زده نه آتش بماند نه آتشکده
 گرایدون که این مرد باشد همان بسی سروران را سر آید زمان
 (خوسفی: ۲۸۱ب ۴۲۳۴ - ۴۲۳۸)

پیش‌بینی نتیجه جنگ توسط منجم و اخترشناس خاوران

نگه کرد دانای اخترشمار به نیک و بد گردش روزگار
 چنین گفت دانا که دست علی ست تو را رزم کردن ز بی‌حاصلی ست
 (همان: ۱۶۵ ب ۲۱۰۹ و ۲۱۱۰)

هر پهلوان، یک پرچم با نماد خاص

در داستان‌های شاهنامه می‌بینیم که هر پهلوانی در جنگ با درفشی خاص به میدان می‌رود که نشان خاص آن پهلوان به شمار می‌رود. مثلاً رستم با نشان اژدها، گودرز با نشان شیر، شیدوش و رهام با نماد ببر، گیو با نماد گرگ و... که از دیدگاه نشانه‌شناسی هم این تصاویر قابل تأویل هستند. در منظومه خاوران نامه هم نمونه‌ای از این نشانه‌شناسی در مورد پهلوانان جنگ‌دیده می‌شود:

یکی اسب در پیش‌پرده به‌پای که دارد در آن پرده آرام جای
 بدو گفت کاین پرده حیدر است که مه را ز منجوق او افسر است
 بپرسید کان پرده‌ی لعل فام به در بر یکی تازی خوش خرام
 یکی اژدهافش درفش بنفش بگو تا نشان که دارد درفش؟
 بدو گفت کاین مالک اشتر است که منجوق او اژدها پیکر است
 بپرسید کاندلر میان سپاه کز انبوه لشکر بدو نیست راه
 یکی پرده بینم ز دیبای روم به زر بافته پیکر و نقش و بوم

درفشی درفشان و پیکر هژبر ز هامون سر اندر کشیده به ابر
 کدامین دلاور بدین رونق است خداوند آن پرده و سنجق است؟
 (خوسفی: ۲۹۴ ب ۴۴۸۹-۴۴۹۷)

پنهان کردن نام و نشان

پیشینیان معتقد بودند که اسم واقعی افراد، معرف شخصیت حقیقی و عین ذات آنان است. در نتیجه، دست یافتن به آن، به منزله دست‌یابی به کلیدی است که شناخت ویژگی‌های درونی و نقاط قوت و ضعف آنان را برای حریف ممکن می‌سازد. از آن روی با پنهان نگاه داشتن نام خود از حریف در واقع، هویت ذاتی خویش را از چشم دشمن و آسیب او حفظ می‌نمودند.» (داودآبادی، ۱۳۸۴: ۱۸۳)

در منظومه خاوران نامه هم به همین سیاق، شاهد پنهان کردن نام پهلوانان لشکر هستیم.

پنهان کردن نام توسط علی(ع)

علی گفت نامم غشتمش شناس شناسد مرا مرد مردم شناس
 (خوسفی، ۱۳۸۲: ۲۱۳ ب ۲۹۶۱)
 بگو نام خود تا بدانم کنون که تیغ من امشب که را ریخت خون
 نداد ایچ پاسخ مر او را علی فروماند از آن چنگ و یال یلی
 (همان: ۹۲ ب ۸۰۳ و ۸۰۴)

درجایی دیگر، سعد، خود را شیبان مصری و ابوالمحجن را هامان و از سرزمین روم معرفی می‌کند.

رجزخوانی علی(ع)

یکی از ویژگی‌های جنگ‌های حماسی، خواندن اشعار فخر و مباهات برای تضعیف روحیه طرف مقابل است. نکته‌ای که در اینجا قابل توجه است، استفاده از رجزخوانی توسط علی (ع) است که بر اساس بسیاری از متون مذهبی، از جمله نهج البلاغه با روحیات عرفانی او مغایرت دارد:

بر آوردگه شاه خاورگشای زمانی فرو داشت دلدل به جای
 چنین گفت کای نامداران قام دلاور کدام است و جنگی کدام؟
 منم پشت این نامدار انجمن ندیده ست روی زمین پشت من
 به هم‌پشتی تیغ من آفتاب کند روی کشور چو لعل مذاب
 خمیده سپهر از کمان من است ستاره‌نشان سنان من است

شفق دامن آن روز در خون کشید که دستم به خون تیغ بیرون کشید
 من اینم که گفتم وزین نیز بیش که می‌آیدم زین دلیران به پیش؟
 (خوسفی: ۲۹۱ ب ۴۴۳۴ تا ۴۴۴۶)

نکته جالب توجه در منظومه خاوران نامه، تحسین حضرت علی(ع)، توسط سرداران سپاه دشمن است:

مرا جز علی کس هم‌آورد نیست که همتای او در جهان مرد نیست
 بسی دیدم اندر جهان گرم و سرد ندیدم به مردی به سان تو مرد
 (همان: ۲۹۷ ب ۴۵۵۷-۴۵۵۶)

اسلام آوردن شرط رهایی از مرگ اسیران

یکی از ویژگی‌های بارز حماسه‌های دینی، تأکید بر ایمان و مذهب در خلال جنگ و مبارزه است. در این منظومه نیز در موقعیت‌های متعدد، از اسیران خواسته شده تا با قبول اسلام، از کشته شدن رهایی پیدا کنند. نکته قابل توجه این است که در شرع اسلام، کشتن اسیر به هر دلیلی نادرست است و با این شرط جنگی مطرح شده در منظومه، تطابق ندارد:

به آواز گفت ای سوار دلیر که شد لشکرت را سر از جنگ سیر
 تو اکنون مقرر شو به پروردگار که تا باشی از تیغ من رستگار
 علی گفت ایمان امان شماست نجات سر اندر زبان شماست
 (همان، ۱۳۸۲: ۸۶ ب ۶۹۰)

در بخشی دیگر از داستان، صلصال از علی(ع) دعوت می‌کند تا با برگشتن از دین و قبول دین زرتشتی، بخشیده شود و علی(ع) نیز از او می‌خواهد تا از دین زرتشت برگردد و مسلمان شود. این صحنه از داستان تأکید منظومه بر جنبه دینی حماسه را تقویت می‌کند:

بیا و به آتش‌پرستی در آی از این دین که داری عنان برگرای
 به آتش‌پرستی دل آباد کن ز آیین و راه کیان یاد کن
 به پاسخ رخ آورد حیدر بدوی بدو گفت کای مرد پرخاشجوی
 تو از راه زرتشتیان بازگرد به دین محمد سرافراز گرد
 (همان: ۲۸۹ ب ۴۴۰۴-۴۴۰۷)

۴-۱۱- تلفیق تاریخ و داستان و استفاده از جنبه‌های جادویی و تخیلی در منظومه خاوران نامه

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف منظومه خاوران نامه، استفاده از تخیل و افسانه و وقایع غیر تاریخی در خلال منظومه است که باعث شده مورد انتقاد بعضی از منتقدان قرار بگیرد. «از داستان‌های موجود در خاوران نامه برخی حقیقی و مبتنی بر حوادث تاریخی است و بعضی دیگر به‌دوراز واقعیات تاریخی است» (خوسفی، ۱۳۸۲: ۱۲)

هرچند از لحاظ احساسی و شعری، استفاده از افسانه و تخیل باعث جذابیت شعر می‌گردد؛ ولی از دیدگاه منطقی و مذهبی، تلفیق آن‌ها با داستان‌های اشخاص مذهبی، به‌مرور از قداست و ابهت آن‌ها می‌کاهد و زبان طعن و انتقاد را به‌سوی آن‌ها دراز می‌کند. از دیدگاه سیاسی نیز همین نکته مورد توجه دشمنان اسلام بوده است و در سال‌های اخیر با وارد کردن خرافات در متون و تعزیه‌ها و شبیه‌خوانی‌ها سعی در تضعیف شخصیت امامان و کم کردن اعتقادات مردم نسبت به امامان داشته‌اند. البته عده‌ای ناخواسته و باهدف خدمت به دین این کار را انجام می‌دهند؛ ولی وسیله‌ای برای به هدف رسیدن دشمنان اسلام می‌گردند. به نظر می‌رسد شاعر این منظومه نیز باهدف خدمت به دین و از روی عشق و علاقه به علی (ع) با آوردن چنین بخش‌هایی در داستان، ناخودآگاه بخش‌هایی از شخصیت دینی و قهرمانی و پهلوانی حضرت را زیر سؤال برده است. در این بخش به نمونه‌هایی از تلفیق افسانه و تاریخ و جنبه‌های تخیلی منظومه اشاره می‌شود.

شکسته شدن شمشیر حضرت و حمله کردن با دست

چو از دسته بشکست شمشیر تیز	رها کرد سر اسب را سوی زیر
عنان تازی تیز تک را سپرد	چو شیران به دست تهی حمله برد
به سرپنجه آهنین چون پلنگ	که بر غرم زور آورد روز جنگ

(خوسفی: ۱۰۲ ب ۱۰۰۵-۱۰۰۷)

صف‌آرایی علی (ع) برابر ده هزار نفر

که تنها بدین رزمگاه آمده ست	به پیکار چندین سپاه آمده ست
ز جنگاوران نامور ده هزار	بر من فرست از پی کارزار

(همان: ۱۰۱ ب ۹۸۸-۹۹۲)

۴-۱۲- نسبت دادن اموری که با اوصاف علی (ع) سازگار نیست.

در سرتاسر نهج البلاغه و متون دینی دیگر، از ساده زیستی و پرهیز از اشرافیت و تواضع علی (ع) سخن گفته شده است ولی در این منظومه صفاتی همچون نشستن بر تخت و کشتن اسیران و دروغ گفتن به قصد سیاست و جنگ با زن و دنبال کردن آن، سخن گفته شده است که با خصال عرفانی و پهلوانی و اعتقادی حضرت علی (ع) همخوانی ندارد:

بر تخت نشستن علی (ع)

نشست از بر تخت جمشید شاه	به شهر اندر آمد علی با سپاه
بر او یک به یک آفرین خوان شدند	همه شهر خاور مسلمان شدند
(خوسفی: ۱۷۲ ب ۲۲۴۳ و ۲۲۴۴)	

دروغ گفتن حضرت علی (ع) برای سیاست

به پاسخ علی گفت کز بربرم	ولی با برادر به خشم اندرم
به مغرب زمین می روم با سپاه	که گیرد مرا خسروی در پناه
(همان: ۱۲۳ ب ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶)	

کشتن اسیران و بریدن سر آنها به دلیل اسلام نیاوردن

ز کیش جهودی مسلمان شوید	بگفت ای جهودان مسلمان شوید
نبردند فرمان آموزگار	یکی زان جهودان بد روزگار
بریدند سرهای ایشان به تیغ	سپهبد بفرمود تا بی دریغ
(همان: ۱۶۲ ب ۲۰۵۶ - ۲۰۵۸)	

دنبال کردن شمامه زن صلصال در جنگ

شمامه گریزان شده از پیش تیغ	همی خورد صلصال بر وی دریغ
پس پشت او تیغ حیدر براند	دگر داوری در میانه نماند
بزد تیغ بر پشت بانوی قام	جراحت شد آن تخته سیم خام
(همان: ۳۰۸ ب ۴۷۷۹ - ۴۷۸۱)	

این درحالی است که در همین منظومه و درجایی دیگر طبق روایات، اشاره شده که علی (ع) در جنگ کسی را دنبال نمی کرد:

چنین بود رسم علی روز جنگ	که بر دشمنش چون شدی کار تنگ
--------------------------	-----------------------------

نرفتی ز دنبال مرد گریز اگرچند بودی سرش پر ستیز
(خوسفی: ۱۵۲ ب ۱۸۴۴ و ۱۸۴۵)

کشتن اسیر توسط علی(ع)

خرامید و آمد بر شهریار ازو خواست خسرو به جان زینهار
بپرسید از او حیدر نامدار که بوالمحجن گرد را چیست کار؟
برآورد تیغ و بزد گردنش سرافکند در زیر پا از تنش
(همان: ۱۸۴ ب ۲۴۳۰ - ۲۴۳۹)

۱۳-۴- عدم دقت در وقایع تاریخی

اگر منظور شاعر در این بیت، حمزه، عموی پیامبر باشد، از لحاظ تاریخی هیچ همخوانی با کتب تاریخی نخواهد داشت؛ زیرا که ایشان، بنا به روایات منابع موثق تاریخی، در جنگ اُحُد کشته شده بودند و در زمان جنگ‌های مذکور، در قید حیات نبودند:

شنیدم که حمزه به میدان کین چه پرداخت با شاه ایران زمین
(همان: ۲۳۸ ب ۳۴۴۹)

تنهایی رفتن به جنگ با تهماس

بر آنم که تنها به ساحل زمین شوم تا چه خواهد جهان آفرین
(همان: ۲۰۷ ب ۲۸۴۲)

۱۴-۴- تناقضات داستانی

در بعضی صحنه‌های داستان، گاهی تناقضاتی دیده می‌شود که با منطق همخوانی ندارند. مثلاً در یک صحنه، سپهدار قام پس از شکست سنگین و ضرب شست از علی(ع)، شب را در عیش و نوش می‌گذراند:

به لشکرگاه آمد سپهدار قام نشستند گردان لشکر تمام
بیاراست مجلس به چنگ و رباب به سر برد شب در شراب و کباب
(همان: ۲۸۴ ب ۴۲۹۵-۴۲۹۶)

یا در جای دیگر خاوران، در عرض سه روز چندین لشکر از کشورهای مختلف جمع می‌کند و دوباره به جنگ می‌رود:

وزین روی سالار خاور سپاه	همی کرد آرایش رزمگاه
سه روز اندر آرایش جنگ بود	ز رزم گذشته دلش تنگ بود
ز هر کشوری لشکری گرد کرد	ز خنجر گذاران روز نبرد
به روز چهارم بنالید نای	درفش درفشان برآمد به پای

(خوسفی: ۱۰۱ ب ۹۷۵ - ۹۷۸)

۴-۱۵- اشخاص افسانه‌ای و غیرواقعی

در صحنه‌ای از منظومه، شخصی با موهای سفید، با قدی بسیار بلند به اندازه شست گز، با عمری طولانی از زمان حضرت موسی به پیش حضرت علی (ع) می‌آید:

یکی شخص پیدا شد از راه دور	ز موی سفیدش جهان پر ز نور
جز او کس به بالای آدم نبود	که بالای او شست گز کم نبود
درازای عمرش ز اندازه بیش	به سر برده عمری چو بالای خویش
به پیش علی رفت و کردش سلام	بدو گفت کای پیشوای انام
من از دور موسای پیغمبرم	سخن هوش فرمای تا بسپریم

(همان: ۹۶ ب ۸۸۷ - ۸۹۱)

در بعضی از قسمت‌های منظومه اشاره به موجوداتی شده است که در عالم واقع دیده نمی‌شوند:

چو بر آسمان گرم‌تر گشت هور	شد آن پهن صحرا همه پر ز مور
که هر مور از آن از سگی بیش بود	به سان گرازان، ورا نیش بود

(همان: ۱۲۸ ب ۱۴۲۷ و ۱۴۲۸)

بدان کوه سر پیل گوشان بدند	که در جنگ چون پیل گوشان بدند
----------------------------	------------------------------

(همان: ۱۲۰ ب ۱۳۱۲)

نهاده یکی اشتر خام پیش	گشاده بر او چنگ و دندان خویش
چنان می‌دریدش به دندان و چنگ	که درّ ز هم میش بره، پلنگ

(همان: ۱۲۱ ب ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵)

گرگ شاخ‌دار

«در میان راه ناگهان گردوبادی سخت و ویرانگر از دشت برمی‌خیزد و از میان آن هزاران گرگ شاخ‌دار سر برمی‌آورد.» (خوسفی: ۱۱۶)

کارهای باورنکردنی عمرو امیه

سوی داروی بیهشی برد دست سپه را به خواب اندرون کرد مست
هم اندر زمان برکشید استره تراشیدشان ریش و سر یکسره
(همان: ۱۳۸ ب ۱۵۸۰-۱۵۸۱)
بزد دست و برداشت تاج از سرش تهیدست رفتن نبد در خورش
(همان: ۱۳۸ ب ۱۵۹۴)

نابود شدن سی هزار جنگجوی از نعره علی(ع)

یکی نعره‌ای از جگر برکشید شب تیره صور قیامت دمید
سیه شد نیوشنده را مغز و هوش فلک را تو گفستی که کر گشت گوش
ده اندر ده از هر طرف جانور بمردند پاک اندر آن بوم و بر
تبه گشت از آن کافران سی هزار ز آواز آن گرد خنجر گذار
(همان: ۲۰۹ ب ۲۸۷۹-۲۸۸۲)

بارش تیغ از آسمان

شبانگه برآمد یکی تیره میغ چو باران ببارید زوبین و تیغ
(همان: ۲۱۱ ب ۲۹۳۴)

اژدها کشی علی(ع)

بیرون آمدن اژدها یا موجودی خطرناک از دریا، یکی از کهن‌الگوها یا آرکی تایپ‌های رایج در اسطوره‌های دنیاست که در این منظومه نیز بدان اشاره شده است:

کشید از میان دشنه آبگون شد اندر سر اژدها آب خون
برآویخت آن مار با او به هم همی خواست کاو را بسوزد به دم
یکی تیغ حیدر بزد بر سرش به یک زخم دونیمه شد پیکرش
(همان: ۳۱۹۲ ب ۲۵۸۳-۲۵۸۵)

یکی دیگر از موتیف‌های تکراری حماسی که در منظومه خاوران نامه نیز آمده است، آزمایش بلند کردن گرز پهلوان توسط حریف یا آماده کردن کمان پهلوانان است:

بدو گفت صلصال گرز گران که افکندم ایدر به پیش سران
اگر زان که برداری آن را ز جای به نیروی بازوی زورآزمای
به مردی بدانم که مرد منی به جنگ اندرون هم‌نبرد منی
(خوسفی: ۲۸۳ ب ۴۲۷۰ تا ۴۲۷۲)

کشتی گرفتن پهلوانان برای انتخاب داماد پادشاه نیز نمونه دیگری است که در صفحه ۱۱۹ منظومه بدان اشاره شده است.

۵- نتیجه‌گیری:

در این پژوهش، منظومه حماسی دینی خاوران نامه (به علت نبود نسخه چاپی از خلاصه آن، یعنی تازیان نامه استفاده شد) مورد بررسی قرار گرفت و پس از استخراج نمونه‌های مورد نظر به بحث و تحلیل آن‌ها پرداخته شد. خلاصه‌ای از مهم‌ترین نتایج به دست آمده در این پژوهش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

۵-۱- شاعر منظومه، در ابتدای کار از فردوسی و اثرش با تمجید یاد کرده است و حتی با ذکر داستانی طبع شاعرانه خود را به خوابی نسبت می‌دهد که در آن با فردوسی آشنا شده است. در خلال ابیاتش نیز گاه و بی‌گاه نظری به ابیات شاهنامه داشته است و حتی تضمین نیز کرده است و ذکر شخصیت‌ها و بعضی حکایات شاهنامه نیز نشانی از تسلط شاعر بر شاهنامه دارد. در بعضی از ابیات نیز نشانه‌هایی از تأثیرپذیری شاعر از شعرای دیگر دیده می‌شود.

۵-۲- شخصیت عرفانی و مذهبی شاعر و اطلاعات زیاد دینی او سبب شده است تا در میان ابیات، به آیات و احادیث و تلمیحات مذهبی زیادی اشاره کند. همچنین مباحث کلامی مانند قضا و قدر و جبر و اختیار نیز به صورت پراکنده دیده می‌شود.

۵-۳- در این منظومه نیز نمونه‌های زیادی از ابیات تعلیمی و پندآمیز در پایان و خلال داستان‌ها دیده می‌شود.

۵-۴- شخصیت دینی و عرفانی شاعر باعث شده است تا در لابه‌لای ابیات منظومه حماسی، ابیاتی عرفانی و معنوی نیز بسراید.

۵-۵- یکی از نکات برجسته منظومه خاوران نامه توجه به صحنه‌های غنایی در داخل جنگ و حماسه است؛ به‌طوری‌که در برخی حکایات، تلفیق بزم و رزم به زیبایی اتفاق افتاده است که گویا در این مورد هم از فردوسی اثر پذیرفته است.

۵-۶- اطلاعات فراوان عمومی شاعر، باعث شده در بین ابیات به فرهنگ و ادبیات عامیانه نیز توجه زیادی داشته باشد و در حقیقت میدانی برای جولان این معلومات به‌خصوص اطلاعات نجومی و ... پیدا کند.

۵-۷- یکی از ویژگی‌های برجسته خاوران نامه، وارد شدن حوادث فرا تاریخی در داستان‌های منظومه است؛ به‌طوری‌که گاهی منجمان، اخترشناسان و پیشگویان، حوادث داستان را پیشگویی می‌کنند. این امر سبب می‌شود استناد تاریخی منظومه کمی خدشه‌دار گردد.

۵-۸- وارد شدن شخصیت‌های افسانه‌ای و تخیلی در داستان، همچون گرگ شاخ‌دار و اغراق‌های تخیلی و افسانه‌ای، مثل کشته شدن سی هزار نفر از نعره علی (ع) یا یاری‌رساندن حضرت خضر به ایشان، یکی دیگر از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این منظومه است.

۵-۹- آشنایی شاعر با آداب و رسوم درباری و آداب جنگ و مخصوصاً اشراف به منظومه‌های حماسی، باعث شده شاعر در توصیف صحنه‌های رزمی و تصویرسازی میدان‌های جنگ، بسیار موفق و جذاب عمل کند؛ به‌طوری‌که می‌توان نمادها و نشانه‌ها و پرچم‌های جنگ را نیز مورد بررسی و تحلیل قرارداد.

۵-۱۰- در منظومه خاوران نامه اشاره دقیق به منابع و راویان نشده است و با توجه به نمونه‌های موجود، به نظر می‌رسد منابع مورد استفاده شاعر، چندان موثق نباشند.

۵-۱۱- شاعر، از ترس مخالفان شیعه در آن زمان، کمی جنبه اعتدال پیش گرفته‌اند و از لعن و توهین و ... کمتر استفاده کرده‌اند.

۱۲-۵- شاعر در روایت داستان‌ها و مبارزات منظومه، کاملاً در روایت داستان‌ها و تصویرسازی‌ها و شخصیت‌پردازی‌های منظومه‌ها به جانب‌داری از علی (ع) و سپاه او پرداخته است و در نوع انتخاب صفات و تعبیر برای پهلوانان و دشمنان آن‌ها، تعصب به خرج داده است.

۶- منابع و مآخذ:

الف: کتاب‌ها

- ۱- حافظ، شمس‌الدین، (۱۳۸۱)، **دیوان حافظ**، بر اساس نسخه قزوینی-غنی، با مقدمه حسین بهزادی اندوهجردی، چاپ ششم، تهران: نشر سمن.
- ۲- حق‌شناس، شهربانو، (۱۳۹۰)، **داستان داستان‌ها** (تأملی بر خاوران نامه ابن حسام خوسفی)، انتشارات نوید شیراز.
- ۳- سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۸۶)، **کلیات سعدی**، به تصحیح نظام‌الدین نوری کوتنائی، چاپ چهارم، تهران: کتاب آبان.
- ۴- شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۶۵)، **مجالس المومنین ج ۲**، چاپ سوم، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- ۵- شهریار، محمدحسین، (۱۳۷۹)، **دیوان فارسی شهریار**، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات نگاه.
- ۶- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۶)، **شاهنامه**، به تصحیح جلال خالقی مطلق، با مقدمه احسان یارشاطر، نیویورک و کالیفرنیا: انتشارات مزدا.
- ۷- مرادی، حمیدالله، (۱۳۸۲)، **تازیان نامه** (خلاصه خاوران نامه)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۸- منشی، نصرالله بن محمد، (۱۳۷۴)، **ترجمه کلیله و دمنه**، به تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چاپ سیزدهم، تهران: امیرکبیر.
- ۹- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۵)، **خسرو و شیرین**، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: انتشارات زوآر.

- ۱۰- -----، (۱۳۸۰)، لیلی و مجنون، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره.
- ۱۱- -----، (۱۳۸۴)، هفت پیکر، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: انتشارات زوآر.

ب: مقالات

- ۱- احمدی بیرجندی، احمد، (۱۳۸۸)، «دیدگاه‌های اخلاقی و اجتماعی محمد بن حسام خوشی در منظومه «خاوران نامه»»، نامه پژوهش، شماره ۱۵، صص ۴۶-۳۳.
- ۲- جلالی، گلاویز، مظفری، علیرضا، (۱۴۰۰)، «بررسی تحولات ضدّ قهرمان در حماسه‌های ملی، دینی و تاریخی با تحلیل شش منظومه حماسی»، پژوهشنامه ادب حماسی، سال هفدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۲، صص ۷۸-۵۹.
- ۳- خیام‌پور، عبدالرسول، (۱۳۳۴)، «چند کتاب خطّی مهمّ فارسی در قونیه»، مجله دانشکده ادبیّات فارسی تبریز، سال هفتم، شماره دوم، صص ۵۰۶-۴۸۳.
- ۴- داودآبادی، احمد، (۱۳۸۴)، «پنهان کردن نام از دیگر حریفان توسط پهلوانان»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اراک، شماره ۳، صص ۱۹۳-۱۸۱.
- ۵- رحمان زاده، سامان، مدرسی، فاطمه، نزهت، بهمن، (۱۳۹۸)، «ساختار زبان حماسی در کوش نامه ایرانشان بن ابی‌الخیر»، پژوهشنامه ادب حماسی، سال پانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۸۲، صص ۱۷۳-۱۴۹.
- ۶- شفق، اسماعیل، انصاری، نیلوفر، (۱۳۹۴)، «تصویر شجاعت حضرت علی (ع) در دو منظومه علی نامه و خاوران نامه»، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، صص ۸-۱.
- ۷- -----، (۱۳۹۴)، «تبیین حلم حضرت علی (ع) در دو منظومه علی نامه و خاوران نامه»، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، صص ۱۶-۸.
- ۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۹)، «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، مجله دانشکده ادبیّات و علوم انسانی مشهد، سال سی و سوم، شماره ۳ و ۴.

۹- صادقی نقد علی علیا، فاطمه، بشیری، علی اصغر، (۱۳۹۹)، «نقد نه روایت از شورش‌های

ایرانیان در زمان خلافت امام علی(ع) در حماسه دینی دلیل الجنان»، پژوهشنامه ادب

حماسی، سال شانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۰، صص ۱۷۲-۱۵۱.

۱۰- عطا شیبانی، فریبا، (۱۳۹۲)، «تصویر آفرینی بلاغی در خاوران نامه ابن حسام

خوسفی»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره

دوم، شماره ۲۰، صص ۳۰۲-۲۸۵.

۱۱- کریمی، صدیقه و امینی، محمد رضا، ۱۴۰۱، «نمودهای فرهنگ‌عامه در خاوران‌نامه

ابن حسام خوسفی»، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره

۱۴، شماره ۵۳. صص ۱۶۸-۱۴۱.

ج: پایان‌نامه‌ها

۱- جلوداری، یونس، (۱۳۸۹)، «تحلیل موضوعی دیوان ابن حسام خوسفی»، رحمان ذبیحی،

پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام.